فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هشتم، شماره‌ی ۲، پاییز ۹۸، صفحات ۳۴-۹

پروفایل‌های داغ‌دیده
مطالعه‌ای کیفی از بازنمایی فقدان در میان زنان داغ‌دیده‌ی یزدی

سیدعلیرضا افشانی [۱]، علی روحانی [۲]، نگین نعیمی [۳]

تاریخ دریافت:۱۳۹۷/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۰

چکیده

مواجهه با مرگ‌های غیرمنتظره از سخت‌ترین مواجهات بشر در طول تاریخ قلمداد می‌شود. در چند سال اخیر، فضای مجازی پویایی‌های مربوط به این مواجهه را تحت‌تأثیر قرار داده است و اکثر داغ‌دیدگان علاوه بر فضای واقعی، در فضای مجازی هم با متوفی و سایر افراد در مورد فقدان‌شان برهم‌کنش دارند. برهمین‌اساس این مطالعه به منظور کشف فرایند حضور داغ‌دیدگان در فضای مجازی و دستیابی به فهمی عمیق از نقش فضای مجازی در زندگی داغ‌دیدگان، براساس رویکرد کیفی و نظریه‌ی زمینه‌ای طراحی شد. داده‌های مورد نیاز با استفاده از مصاحبه‌های عمیق از زنان داغ‌دیده‌ی یزدی که حداقل چهار ماه و حداکثر چهار سال از فوت عزیز/عزیزانشان می‌گذشت، گردآوری و بعد، داده‌ها طی سه فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی، مفهوم‌پردازی و تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که پدیده‌ی مرکزی، پروفایل‌های داغ‌دیده است. پروفایل‌های داغ‌دیده، رخداد فقدان و یادبودهای مجازی را بازنمایی می‌کنند. در مواجهه با پروفایل‌های داغ‌دیده، داغ‌دیدگان با اتخاذ استراتژی‌هایی چون سوگ‌پایی و واسازی معاشرت‌های مجازی، پیامدهایی را تجربه و درک می‌کنند. در این مسیر آن‌ها در نهایت به بازاندیشی فقدان در فضای مجازی می‌پردازند.

واژه‌های کلیدی: پروفایل داغ‌دیده؛ داغ‌دیدگان؛ فضای مجازی؛ مرگ؛

[۱] دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد afshanialireza@yazd.ac.ir
[۲] استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد(نویسنده‌ی مسؤول) aliruhani@yazd.ac.ir
[۳] کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه یزد negin.naimi1373@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

مقدمه

مرگ به عنوان قانونی مشترک و واقعیتی گریزناپذیر همواره در زندگی انسان‌ها حضور داشته است(ملایوسفی و باقری،۱۳۹۵:۱۳۴). این روزها همراه با نوین‌شدن ارتباطات، در کنار نمودهای واقعی مرگ در فضای یک جامعه که از گذشته تاکنون به گونه‌های تقریباً یکسان حضور داشته است، شاهد گونه‌های جدیدی از بازنمایی فقدان توسط داغ‌دیدگان در فضاهای رسانه‌ای نیز هستیم. به این معنا که در جامعه‌ی ایران، مرگ به عنوان واقعیتی اجتماعی، در قالب نمادهای مشاهده‌پذیر چون اعلامیه‌های ترحیم، پارچه‌نویسی‌هاو حتی حجله‌ها و بنرهای بزرگ که غالباً تصاویر متوفیان جوان و تازه‌درگذشته را بر خود دارد، با قدم‌برداشتن در خیابان‌های شهر به چشم می‌خورد. فارغ از آمار قابل توجهی که در زمینه‌ی عوامل مختلف مرگ‌ومیر چون آلودگی هوا، بیماری‌های قلبی و عروقی، تصادفات جاده‌ای، سوانح هوایی و غیره وجود دارد، از گذشته تاکنون کشف و تشییع پیکرهای رزمندگان و سربازان و تصاویر شهدا را بر پیکره‌ی فضای هر شهری شاهد هستیم. اما این روزها وقوع زلزله‌ها، تصادفات جاده‌ای، سوانح هوایی و دریایی و غیره که گاهی در طول یک سال با گرفتن جان بسیاری از هم‌وطنانمان در هر گوشه‌ای از این سرزمین، خانواده‌های بسیاری را مصیبت‌زده می‌کند، علاوه‌بر رسانه‌ی تلویزیون یا رادیو، در فضای مجازی و اینستاگرام و غیره نیز پخش و بازنمایی می‌شود؛ که همراه با آن شاهد به‌راه‌افتادن موج عظیمی از احساسات و کنش‌های خیرخواهانه در میان ایرانیان هستیم(بیات‌ریزی و تسلیمی‌طهرانی،۱۳۹۶: ۳۷-۳۹). درواقع مسأله‌ی مرگ و مردن در محصولات فرهنگی و متون ادبی مانند فیلم‌ها، رسانه‌های اجتماعی، مناسک و آداب‌ورسوم مذهبی، سخنرانی‌های مختلف رهبران مذهبی، دیدگاه‌ها و نوشته‌های فلسفی، آثار هنری تمدن‌های باستانی و جوامع معاصر، تجلی‌یافته و قابل پیگیری است(زمانی‌مقدم،۱۳۹۵:۱۷). بنابراین یکی از تجربه‌های بشر از ابتدای حیات تاکنون مواجهه با مرگ به‌هنگام یا نابه‌هنگام اعضای خانواده، خویشاوندان و حتی هم‌وطنان خود بوده است. در این میان فقدان عضوی از خانواده به‌ویژه به‌صورت نابه‌هنگام، طیف گسترده‌ای از واکنش‌های رفتاری، عاطفی و شناختی را از سوی داغ‌دیدگان به دنبال خواهد داشت (معتمدی،۱۳۹۶:۲۴۷). افزون‌براین نحوه‌ی مواجهه با فقدان‌های غیرمنتظره، می‌تواند داغ‌دیدگان را به قشری آسیب‌پذیر به لحاظ روانی- اجتماعی تبدیل کند که توجه به سلامت اجتماعی این قشر آسیب‌پذیر، به سلامت خانواده و سلامت جامعه منجر خواهد شد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

در این میان همراه با انقلاب ارتباطات و فن‌آوری‌های ارتباطی در دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی در غرب، ابزارهای ارتباطی جدیدی چون ماهواره، اینترنت و تلفن همراه و سپس شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر تلفن همراه هوشمند، وارد جوامع از جمله ایران شدند(باستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲) که به دنبال آن، رسانه‌های اجتماعی به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی بسیاری از مردم تبدیل گشته است. بنابراین شبکه‌های اجتماعی نوینی چون تلگرام، اینستاگرام و نظایر آن به عنوان بسترهایی مجازی ظهور یافته‌اند، که داغ‌دیدگان می‌توانند در آن حضور داشته باشند. لذا با توجه به تحقیقاتی که از سوی محققان علوم مختلف در مورد پیامدها(فروتن،۱۳۹۲ و ساروخانی و صداقتی‌فرد،۱۳۸۸) و تأثیرات استفاده از فضای مجازی بر نحوه‌ی نگرش، ارزش‌ها(ابوالقاسمی و همکاران،۱۳۹۲ و کفاشی،۱۳۸۸)، رفتارها، ارتباطات و نحوه‌ی فعالیت(علیخواه و همکاران،۱۳۹۶؛ مهدی‌زاده و ابراهیمی،۱۳۹۳ و عدلی‌پور و همکاران،۱۳۹۲) و هویت کاربران(رضوی و همکاران،۱۳۹۶) و نقش شبکه‌های اجتماعی در مراحل اولیه‌ی سوگ‌واری داغ‌دیدگان(پرلوسکو و فرانسیسکو[1]، ۲۰۱۸ و مور[2] و همکاران، ۲۰۱۷) انجام گرفته است، توجه به نقش فضای مجازی در زندگی کاربران داغ-دیده در گذر از داغ‌دیدگی حائز اهمیت بوده است.

لذا برای دستیابی به فهمی عمیق از نحوه‌ی حضور داغ‌دیدگان در فضای مجازی، کنش‌های داغ‌دیدگان و نقش فضای مجازی در تسهیل یا تشدید فقدان در این مطالعه، طراحی شده است. درواقع هدف اصلی این پژوهش کشف فرایندهایی است که داغ‌دیدگان در مواجهه با فقدان‌های غیرمنتظره در بستر فضای مجازی با آن درگیر می‌شوند و سعی در واسازی خود و گذار از داغ-دیدگی دارند. سؤالات پژوهش حاضر عبارتند از: ۱) فضای مجازی در زندگی داغ‌دیدگان چه نقشی دارد؟ ۲) داغ‌دیدگان در فضای مجازی چه استراتژی‌هایی را در مواجهه با فقدان به کار می‌گیرند؟ ۳) استراتژی‌های داغ‌دیدگان چه پیامدهایی برای آن‌ها به دنبال دارد؟

پیشینه‌ی پژوهش

اسماعیل‌پور و بخشعلی‌زاده مرادی(۱۳۹۳) در پژوهشی پیمایشی نشان می‌دهند که نسبت خویشاوندی در برخی ابعاد واکنش سوگ مؤثر بوده است. سوگ غیرمنتظره نیز نسبت به سوگ مورد انتظار از نظر جستجوی تبیین، تفاوت معنی‌داری داشته است.

[1] Perluxo and Francisco
[2] Moore

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

گروسی و همکاران(۱۳۹۳)، در پژوهشی نشان می‌دهند که چگونگی ارزش‌گذاری فرایند مرگ می‌تواند در انتخاب شیوه‌ی برون‌رفت از فشار مرگ عزیزان نقش داشته باشد. چنانچه برخی افراد در مواجهه با مرگ عزیزان از استراتژی‌هایی چون سوگیری براساس سنت و جهت‌دهی به احساسات استفاده می‌کنند.

پرلوسکو و فرانسیسکو(۲۰۱۸) در پژوهشی نشان می‌دهند که مادران داغ‌دیده از فیس‌بوک برای دریافت حمایت، آشنایی با مادران دیگر، یادآوری خاطرات فرزند ازدست‌داده و بیان احساسات خود استفاده می‌کردند. به عبارت بهتر استفاده از فیس‌بوک می‌تواند نقش مهمی در مرحله‌ی اولیه‌ی سوگ‌واری به‌واسطه‌ی کاردکردهای این شبکه، داشته باشد.

داهداه[1] و همکاران(۲۰۱۸) در پژوهشی نشان می‌دهند که مادران داغ‌دیده، استراتژی‌هایی را ایجاد می‌کنند تا تأثیرات فقدان در زندگی روزانه‌شان را به حداقل برسانند. درواقع یافته‌ها حاکی از دوباره‌سازی هویت و تاریخچه‌ی زندگی مادران به دنبال ازدست‌دادن فرزند بوده است.

مور و همکاران(۲۰۱۷)، در پژوهشی نشان می‌دهند به اشتراک‌گذاری اطلاعات با خانواده و دوستان، صحبت‌کردن در مورد مرگ با داغداران دیگر، صحبت‌کردن در مورد مرگ با جمعیت‌های گسترده‌تری از سوگ‌واران و جلسات تذکره و ادامه‌ی ارتباط با متوفی از روش‌هایی است که به‌واسطه‌ی وب‌سایت‌های شبکه‌های اجتماعی برای سوگ‌واری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تامپسون[2] و همکاران(۲۰۱۶)، معتقدند وفات[3]، مرگ[4] و داغ‌دیدگی[5] در خلاء رخ نمی‌دهد و این‌که چطور افراد و گروه‌ها این پدیده را تجربه می‌کنند، تا حد زیادی از بستر اجتماعی که در آن رخ می‌دهد، تأثیر می‌گیرد.

نایمیر[6] و همکاران(۲۰۰۲) نشان می‌دهند که بازماندگان در سطح فردی و بین‌فردی معنای ازدست‌دادن را به روایت‌های خود اضافه می‌کنند. در سطح اجتماعی نیز مراسم عمومی، شیوه‌های گفتمانی و فرهنگ‌های محلی، منابع را برای یکپارچه‌سازی اهمیت فقدان برای بازماندگان و تنظیم آشفتگیِ عاطفی بعد از فقدان، فراهم می‌نماید.

[1] Dahdah
[2] Thompson
[2] Dying
[3] death
[4] bereavement
[6] Neimeyer

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

تحقیقات مختلفی از سوی محققان علوم مختلف در مورد ابعاد مختلف مرگ چون آمار مرگ‌ومیر، عوامل مرگ‌ومیر، نگرش نسبت به مرگ، آسیب‌های روانی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی فقدان بر داغ‌دیدگان و راهکارهای دینی و روانی برای افزایش قدرت تحمل فقدان انجام گرفته است. تحقیقات انجام‌گرفته در مورد شبکه‌های اجتماعی بیش‌تر بر میزان استفاده، انگیزه‌ها و پیامدهای استفاده از آن‌ها تمرکز داشته‌اند. بنابراین جای خالی تحقیقات در زمینه‌ی فرایند حضور داغ‌دیدگان در فضای مجازی و تجربـه‌ی داغ‌دیدگان از حضور در این فضا و نقش آن در گذار داغ‌دیدگی به چشم می‌خورد. لذا نوآوری پژوهش حاضر را می‌توان در این دریافت که در پژوهش‌های داخلی تاکنون به نقش فضای مجازی به عنوان بستری نوین و در دسترس که می‌تواند در زندگی داغ‌دیدگان، دارای نقش تسهیل‌کننده یا تشدیدکننده فقدان باشد توجه نشده است.لذا نوآوری پژوهش حاضر را می‌توان در توجه آن به نقش فضای مجازی به عنوان بستری نوین و در دسترس که می‌تواند در زندگی داغدیدگان دارای نقش تسهیل‌کننده یا تشدیدکننده فقدان باشد و تاکنون بدان توجه نشده است؛ دریافت. نوآوری این پژوهش از دریچه‌ی فراهم‌کردن شاهدی بر تغییرات فرهنگی و اجتماعی جوامع در بازنمایی مرگ و هویت داغ‌دیده، استراتژی‌های گذر از داغ‌دیدگی در فضایی نوین و متفاوت از گذشته‌های نسبتاً دور نیز قابل ردیابی است.

چارچوب نظری

رویکردهای نظری در باب مرگ را می‌توان در پنج رویکرد فلسفی، روان‌شناختی، انسان‌شناختی، تاریخی و جامعه‌شناختی تقسیم‌بندی کرد. چیستی مرگ و نوع برخورد با آن در رویکرد فلسفی، جنبه‌های روانی و فردی مربوط به مرگ در رویکرد روان‌شناختی، نگرش نسبت به مرگ و مناسک پیرامون آن در رویکرد انسان‌شناختی، بررسی پدیده‌ی مرگ به لحاظ تاریخی در رویکرد تاریخی و جنبه‌های اجتماعی مرگ در رویکرد جامعه‌شناختی مورد توجه قرار می‌گیرد(سراج‌زاده و همکاران،۱۳۹۴: ۱۵۷-۱۵۶).

بحث دیگری که در مورد مرگ وجود دارد، بحث انکار و تابوبودن مرگ و یا پذیرش آن در جامعه است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

تابوبودن مرگ و به حاشیه رانده‌شدن آن در جامعه‌ی مدرن در آراء متفکرانی چون کوبلرراس[۱] و بودریار[۲] و نوربرت الیاس[۳] به چشم می‌خورد. چنانچه جفری‌گورر[۴] از سال ۱۹۵۵م جامعه‌ی غرب را به انکار مرگ متهم می‌کرد و به عبارت بهتر مرگ در جامعه‌ی مدرن تابو انگاشته می‌شد. اما الیزابت کوبلرراس در جهت تغییر این نگرش به سمت پذیرش مرگ در جامعه تلاش می‌کرد؛ چراکه پیامد فراگیری انکار مرگ را در میان جامعه‌ای، چیزی جز تباهی نمی‌دانست. لذا نتیجه‌ی تلاش‌های کوبلرراس ایجاد تغییرات گسترده در نگرش جوامع غربی از انکار مرگ به سمت پذیرش آن بوده است(ملایوسفی و باقری،۱۳۹۵: ۱۳۶-۱۳۵).

در میان ادبیات جامعه‌شناسی مرگ، موضوعاتی چون آیین‌های مرتبط با مرگ و مسایل مربوط با بیماران دم مرگ مورد توجه قرار گرفته است. شایان ذکر است که معانی شکل‌گرفته از مرگ و مواجهه افراد با واقعه‌ی مرگ در بستر اجتماعی شکل گرفته است. بنابراین با توجه به تأثیرگذاری دین و اعتقادات مذهبی بر تفکر درباره‌ی مرگ و نگرش نسبت به آن و پذیرش مرگ، جامعه‌شناسی مرگ به عنوان زیرشاخه‌ی جامعه‌شناسی دین مورد توجه قرار گرفته است(قانعی‌راد و کریمی،۱۳۸۵، به نقل از یوسفی و تابعی،۴۳:۱۳۹۰). اما در چند قرن اخیر به‌واسطه‌ی فاصله‌گرفتن از جامعه‌ی سنتی و ظهور مدرنیته، از منظر متفکرانی چون فیلیپ‌آریه[۵]، نوربرت‌الیاس، زیگموندباومن[۶]، میشل فوکو[۷]، تونی والتر[۸] و سایرین، مرگ و دین تا حدودی از یکدیگر فاصله گرفته‌اند(مزینانی‌شریعتی و تسلیمی‌طهرانی،۳:۱۳۹۵).

الیاس به عنوان یکی از متفکران اصلی جریان مرگ‌اندیشی معتقد است که مرگ نه مسأله‌ی درگذشتگان، بلکه مسأله‌ای مرتبط با زندگان است. به این معنا که بعد از مرگ عزیزان، دوستان و خویشاوندن، این داغ‌دیدگان هستند که می‌بایست به زندگی خود ادامه دهند(الیاس ۳:۱۹۸۵، به نقل از یعقوبی و همکاران،۱۰۶:۱۳۹۸). الیاس در کتاب *تنهایی دم مرگ* به موضوع ارتباط با مرگ پرداخته است. به نظر وی ارتباط با مرگ از موضوعی عمومی به موضوعی خصوصی و رازآلود تبدیل شده است، به گونه‌ای که ارتباط با مرگ همانند روابط جنسی در قرون گذشته پنهان می‌شود

[1] Elisabeth Kübler-Ross
[2] Baudrillard
[3] Norbert Elias
[4] Geoffrey Gorer
[5] Philippe Aries
[6] Zygmund Bauman
[7].Michel Foucault
[8] Tonu Walter

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

و انسان درصدد سرکوب و حتی مهار آن است. به اعتقاد الیاس نمودهای دورشدن انسان از مرگ و فاصله‌گیری مرگ از زندگی روزمره را می‌توان در حضور در قبرستان به عنوان مکانی خوفناک – نه به عنوان پارک یا بوستانی برای زندگان و همراه با فضای سبز و پرنشاط– و همچنین ملزم به محزون رفتارکردن و رعایت سکوت به منظور آرامش مردگان و برخوردی با احترام پیگیری کرد. به اعتقاد وی غلبه‌ی فردگرای مفرط در جوامع معاصر سبب دوری انسان‌ها از یکدیگر در هنگام زندگی و مرگ می‌شود که ممکن است شخص جستجوگر معنای فردی برای زندگی و مرگ، درنهایت هر دو را بی‌معنا دریابد. بنابراین الیاس به انتقاد از فلسفه‌های وجودگرایانه چون نظریه‌ی هایدگر در مورد مرگ فردی و به دور از معانی جمعی پرداخته است(کلانتری و تسلیمی‌طهرانی، ۱۱۶–۱۱۳:۱۳۹۱).

گربنر[1] با طرح نظریه‌ی کاشت، بر چگونگی تأثیرگذاری رسانه‌ها بر مخاطبانشان تأکید می‌کند. هابرماس[2] نیز شبکه‌های اجتماعی مجازی را به عنوان حوزه‌ای عمومی مطرح می‌کند که نیازهای اساسی در آن مطرح و در جریان ارتباط صمیمانه‌ی افراد با یکدیگر کشف می‌شود. وی معتقد است محیط‌های تعاملی چون شبکه‌های اجتماعی مجازی در تسهیل بیان نیازها و بروز احساسات افراد نقش قابل توجهی دارد(انصاری و همکاران،۲۴:۱۳۹۷). این نظریات می‌تواند حساسیت نظری محققان را نسبت به تأثیرات رسانه‌ها بر کاربرانشان و برهمکنشی آن‌ها، افزایش دهد.

آروین گافمن[3] معرفی خود را شامل شیوه‌هایی می‌داند که افراد و گروه‌ها برای بیان و معرفی خود به کار می‌گیرند. والنزئولا[4] نیز معتقد است محتوای خودافشاگری در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند نشان‌دهنده‌ی آمال، خواسته‌ها، حسرت و ناکامی‌ها، افکار، شکست‌ها و تجارب زندگی افراد باشد. والتر افراد را در نمایش خود با استفاده از اینترنت دارای اختیار عمل بیش‌تری می‌داند، به‌گونه‌ای که کاربران می‌توانند نمودهایی از خود را خلق و یا حفظ کنند، که ممکن است ارائه‌ی آن در موقعیت‌هایی رودررو چندان آسان نباشد(توسلی و جلالوند،۱۰۶:۱۳۹۴–۱۰۵). خوانش این نظریات می‌تواند در ایجاد حساست نظری نسبت به چگونگی معرفی خود در فضای مجازی توسط کاربران، که در این پژوهش داغ‌دیدگان بوده‌اند، حائز اهمیت باشد.

[1] Gerbner
[2] Habermas
[3] E. Goffman
[4] Valenzuela

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

روش پژوهش

در این پژوهش برای دستیابی به فهمی اکتشاف‌گونه از موضوع تحقیق از رویکرد کیفی و راهبرد نظریه‌ی زمینه‌ای استفاده شده است. چارچوب نمونه‌گیری پژوهش حاضر، نمونه‌گیری نظری و هدفمند است. همچنین، استراتژی نمونه‌گیری گلوله‌برفی یا زنجیره‌ای در تسهیل دسترسی و جلب اعتماد مشارکت‌کنندگان نقش قابل توجهی داشت. بدین‌صورت داغ‌دیدگانی که در پژوهش مشارکت داشتند و با دیگرانی که دارای معیارهای مورد نظر بودند، پیوند داشتند، محقق را راهنمایی و به داغ‌دیدگان آشنای خود معرفی می‌کردند. این فرایند، اعتمادِ بیش‌ترِ مشارکت‌کنندگان بعدی را به دنبال داشت. در همین مسیر بود که نسبت به وجود گروهی متشکل از داغ‌دیدگان در فضای مجازی تلگرام آگاهی یافتیم و با عضویت در آن از نزدیک و به طور مداوم شاهد تمام جزئیات حضور داغ‌دیدگان در چنین فضایی بودیم. سپس با هماهنگی قبلی در مورد زمان و مکان مصاحبه، مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌عمیقی با چندین عضو گروه نیز اجرا شد. برای دستیابی به اهداف تحقیق، داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌عمیق از ۲۹ زن داغ‌دیده که حداقل چهار ماه و حداکثر چهار سال از فوت نابه‌هنگام عزیز یا عزیزانشان می‌گذشت، گردآوری شد. فوت‌شدگان این پژوهش در مجموع شامل ۳۵ نفر بوده‌اند. مسیر فرایند دسترسی به نمونه‌ها، انجام مصاحبه و جمع‌آوری داده‌ها بالغ بر چهار ماه، یعنی از ۲۹ بهمن‌ماه سال ۱۳۹۶ تا ۲۱ خردادماه سال ۱۳۹۷ به طول انجامید. به عبارتی دیگر، فوت افراد در بازه‌ی زمانی ۱۳۹۶-۱۳۹۳ بوده است. فرایند گردآوری داده‌ها هم‌زمان با فرایند تحلیل آن‌ها پیگری شد و با رسیدن به اشباع نظری و اطمینان از آن پایان یافت(فراستخواه،۱۳۹۵:۱۴۷-۱۳۵). فرایند تحلیل داده‌ها از کدگذاری باز یعنی تحلیل خط‌به‌خط گزاره‌ها آغاز و همراه با توسعه‌ی مفاهیم و مقوله‌ها و رسیدن به سطح بالاتری از انتزاع، از کدگذاری محوری و گزینشی استفاده شد. صحت و قابلیتِ اعتمادِ پژوهش نیز با رعایت چهار معیارِ «اعتبارپذیری»، «انتقال‌پذیری»، «قابلیت اطمینان» و «تأییدپذیری» تضمین گردید (حریری، ۱۳۸۵:۶۴-۷۵). به عبارت دقیق‌تر با نظر به این‌که یکی از پژوهش‌گران تجربه‌ی رویارویی با فقدان نابه‌هنگام همسر و فرزندش را داشته است، در ابتدای امر سعی شد با نوشتن تجربه‌ی زیسته، علاوه بر شاکله‌بندی ایده‌ی تحقیق، از سوگیری‌ها و کلیشه‌های ذهنی خود آگاهی یافته و با دوری از پیش‌داوری‌های خود، بر اعتبارپذیری داده‌ها، یافته‌ها و نتایج پژوهش بیفزاییم.

همچنین با شروع فرایند گردآوری داده‌ها، با مشارکت طولانی، مشاهده و ارتباط مستمر با میدان تحقیق و مشارکت‌کنندگان پژوهش، در جهت تقویت معیار اعتبارپذیری داده‌ها و یافته‌ها

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

حرکت کردیم. با توصیف دقیق زمینه، طرح پژوهش، مشارکت‌کنندگان و شرایط پژوهش با تمام جزئیات، استخراج مفاهیم و مقولات با غنای فراوان و شواهد گسترده از متن سخنان مشارکت‌کنندگان، تلاش شد تا غنای نتایج و معیار انتقال‌پذیری پژوهش را افزایش دهیم. درنهایت با تبادل نظر با همتایان، ارائه‌ی نتایج پژوهش نزد حداقل ۳ مشارکت‌کننده و با کسب تأیید این نتایج از سوی آن‌ها، در جهت ارتقای معیارهای اعتبارپذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری نتایج پژوهش گام برداشتیم، تا وثوق و قابلیت اعتماد پژوهش تضمین شود. لازم به ذکر است تجربه‌ی زیسته یکی از محققان پژوهش در فقدان نابه‌هنگام عزیزانش، در جلب اعتماد و همکاری شایسته‌ی مشارکت‌کنندگان و در تسهیل دستیابی به معیار اعتبارپذیری پژوهش، نقش قابل ملاحظه‌ای داشته است. در این پژوهش اصول اخلاقی یک پژوهش علمی با حفظ محرمانگی اطلاعات و نام گروه مجازی متشکل از داغ‌دیدگان، استفاده از اسامی مستعار برای مشارکت‌کنندگان و موافقت افراد مورد مطالعه برای شرکت در پژوهش و عدم دستکاری در داده‌ها، کاملاً رعایت شده است(حریری،۱۳۸۵:۲۹).

جدول شماره‌ی یک- یافته‌های توصیفی

تعداد	اسامی مستعار	وضعیت شغلی	نسبت داغ‌دیده با متوفی یا متوفیان	مدت زمان گذشت از فقدان
۱	فرزانه	خانه‌دار	خواهر و فرزند	۳-۴ سال
۲	آزاده	کارمند	مادر	کم‌تر از یکسال
۳	هانیه	کارمند	مادر	۳-۴ سال
۴	نازگل	دانش‌جو	فرزند	۱-۲ سال
۵	نعیمه	دانش‌جو	فرزند	۳-۴ سال
۶	مهتاب	کارمند	مادر	۱-۲ سال
۷	مرضیه	خانه‌دار	همسر	۱-۲ سال
۸	طاهره	کارمند	مادر	۳-۴ سال
۹	بهاره	خانه‌دار	مادر	۳-۴ سال
۱۰	ریحانه	خانه‌دار	فرزند	۳-۴ سال
۱۱	نوبهار	خانه‌دار	همسر	۱-۲ سال
۱۲	زینب	کارمند بازنشسته	مادر	۳-۴ سال
۱۳	سمانه	خانه‌دار	مادر	کم‌تر از یک سال
۱۴	کبری	کارمند	همسر	کم‌تر از یک سال

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

ادامه جدول شماره‌ی یک- یافته‌های توصیفی

تعداد	اسامی مستعار	وضعیت شغلی	نسبت داغ‌دیده با متوفی یا متوفیان	مدت زمان گذشت از فقدان
۱۵	مژگان	کارمند	فرزند	کم‌تر از یک سال
۱۶	مینا	کارمند	همسر	کم‌تر از یک سال
۱۷	زهرا	خانه‌دار	مادر	۴-۳ سال
۱۸	اعظم	خانه‌دار	مادربزرگ	کم‌تر از یک سال
۱۹	مهین	کارمند بازنشسته	مادر	۲-۱ سال
۲۰	سمیرا	خانه‌دار	مادر	۲-۱ سال
۲۱	مهری	خانه‌دار	همسر	۲-۱ سال
۲۲	فاطمه	کارمند	مادر	۲-۱ سال
۲۳	خدیجه	خانه‌دار	مادر	۲-۱ سال
۲۴	حدیثه	کارمند	مادر	۲-۱ سال
۲۵	شیما	دانشجو	فرزند	۲-۱ سال
۲۶	سوسن	خانه‌دار	مادر	کم‌تر از یک سال
۲۷	شمسی	خانه‌دار	خواهر و فرزند	۴-۳ سال
۲۸	راضیه	خانه‌دار	همسر	۲-۱ سال
۲۹	فائزه	خانه‌دار	مادرشوهر	کم‌تر از یک سال

یافته‌های پژوهش

در جریان این پژوهش با بررسی دقیق گزاره‌ها و تحلیل موشکافانه در آن‌ها، طی فرایندی طولانی، ۴۲ مفهوم، ۲۲ مقوله‌ی فرعی، ۱۸ مقوله‌ی اصلی و یک مقوله‌ی هسته تحت عنوان فقدان بازاندیشیده در فضای مجازی برساخت گردیده است. یافته‌های تحقیق در دو بخش خط داستان و مدل پارادایمی ارائه و تشریح خواهد شد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

جدول شماره‌ی دو- فرایند استخراج مقوله‌ی هسته(مفاهیم، مقوله‌های فرعی، اصلی و هسته)

مفاهیم	مقولات فرعی	مقولات‌اصلی	مقوله‌ی هسته
رخداد فقدان	رخداد فقدان		فقدان بازاندیشیده در فضای مجازی
یادبودهای مجازی	یادبودهای مجازی		
مناسبت‌های وابسته به متوفی و درج عکس وی بر پروفایل			
عضویت در فضای مجازی	عضویت در فضای مجازی		
فضای روزمره‌ی مجازی	غلبه فضای روزمره‌ی مجازی بر پروفایل		
سابقه‌ی حضور عکس فرزندان بر پروفایل			
شبانه‌های مجازی	وابستگی درونی- هنجاری به فضای مجازی	اپوخه درونی- هنجاری فقدان در فضای مجازی	
وابستگی شغلی به فضای مجازی			
اپوخه فقدان در فضای مجازی	اپوخه فقدان در فضای مجازی		
سرگرم‌سازی خود با فضای مجازی			
احساس حسرت با دیدن آواتار نزدیکان	رنج آواتار		
سوگ‌واری لحظه‌ای با دیدن آواتار داغ‌دیدگان			
ناتوانی مواجهه با عکس متوفی بر پروفایل نزدیکان	محدودیت‌های روانی- ساختاری پروفایل داغ‌دیدگان		
عدم درج عکس فرزند دختر بر پروفایل			
ناخوشایندی دریافت ترحم‌های مجازی	ناخوشایندی بازنمایی ماتم در فضای مجازی		
ناخوشایندی ماتم‌نشانی در فضای مجازی			
آرامش‌بخشی آواتارهای هم‌ذات‌پندارانه با بستر	آواتارهای آرامش‌بخش مغفرت‌آمیز		
مغفرت‌طلبی برای رفتگان با دیدن آواتار داغ‌دیدگان			
بروز عاطفی خود در پروفایل	وابستگی عاطفی به پروفایل متوفی	پروفایل‌های داغ‌دیده	
وابسته‌دانستن یاد متوفی به حضور عکس متوفی بر پروفایل			

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

عدم تمایل به فراموشی متوفی			
حضور عکس متوفی بر پروفایل داغ‌دیده	حضور متوفی بر پروفایل داغ‌دیدگان		
حضور عکس متوفی بر پروفایل نزدیکان داغ‌دیده			
نمایش وفاداری به متوفی به‌واسطه‌ی درج عکس وی بر پروفایل	بازنمایی وفاداری به متوفی در فضای مجازی	سوگ‌پایی	
افتتاح حساب‌های کاربری مجازی با هویت متوفی			
بی‌فایده دانستن درج عکس خود و اطرافیان بر پروفایل			
آرامش روحی داغ‌دیده با درج عکس متوفی بر پروفایل	آرامش روحی داغ‌دیده با درج عکس متوفی بر پروفایل		
شکایت دیگران مهم از داغ‌دیده در استفاده افراطی از فضای مجازی	تعارض داغ‌دیده/دیگران مهم در ماتم‌نشانی مجازی		
شکایت دیگران مهم از انحصار آواتاری داغ‌دیده برای متوفی			
پیگیری دوستان از داغ‌دیده در فضای مجازی	معاشرت مجازی	واسازی معاشرت‌های مجازی	
هم‌صحبتی با بستگان در فضای مجازی			
درددل با دوستان در فضای مجازی			
تغییر فضای روحی با گفت‌وگوی مجازی با نزدیکان	تغییر فضای روحی با گفت‌وگوی مجازی با نزدیکان		
آرامش درونی با تصاویر پروفایلی خداشناختی	آرامش کشف خدا در فضای مجازی		
آرامش درونی با جست‌وجوی روایات صبر در فضای مجازی			
فضای مجازی دل‌گیرکننده	عدم آرامش مجازی		

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

فضای مجازی عصبی‌کننده		
آرام‌نشدن با استفاده از فضای مجازی		
بازاندیشی در بازنمایی فقدان در فضای مجازی	**بازاندیشی در بازنمایی فقدان در فضای مجازی**	
بازاندیشی در میزان استفاده از فضای مجازی		
اعتیاد به فضای مجازی	اعتیاد به فضای مجازی	
ترک فضای مجازی	ترک فضای مجازی	

خط داستان

استراوس و کربین[1] نوشتن سیر داستان را به منظور آسان‌ترشدن روند کشف مقوله‌ی هسته و رسیدن به نوعی یکپارچگی و انسجام مفهومی در میان داده‌های بی‌شماری که محقق گردآوری کرده است، توصیه می‌کند(استراوس و کربین،۱۳۹۵:۱۶۹). لذا فرایند و جریان گزاره‌ها را در قالب خط داستان شرح خواهیم داد، تا انسجام و نظم مفاهیم و مقولات کشف‌شده و ارتباط بین آن‌ها را به گونه‌ای منسجم‌تر و قابل فهم‌تر مطرح کنیم.

فضای مجازی به‌طور کلی و شبکه‌های اجتماعی به‌طور ویژه که دارای قابلیت‌ها، سرگرمی‌ها و پیامدهای متفاوت است، می‌تواند در زندگی داغ‌دیدگان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم اثرگذار باشد. بنابراین وقتی فقدانی در نهاد خانواده اتفاق می‌افتد، رخداد فقدان نه‌تنها در اوایل داغ‌دیدگی بلکه با گذشت زمان هم به مناسبت‌های مختلف مثل سال‌گرد متوفی و یا تولد وی و به عبارت بهتر یادبودهای مختلف، در دنیای مجازی داغ‌دیدگان اعمال نفوذ می‌کند. چنانچه وقتی فقدانی رخ می‌دهد، افراد به‌واسطه‌ی پروفایل‌هایشان رخداد فقدان را اطلاع‌رسانی می‌کنند. بعد از گذشت زمان در مناسبت‌های مختلف وابسته به متوفی چون سال‌گرد متوفی یا تولد وی، در فضای مجازی با درج عکس متوفی بر پروفایل خود و تقاضا از دیگران برای خواندن فاتحه و آیات قران برای متوفی سعی در قابل تحمل ساختن این خلأ عاطفی ناشی از فقدان می‌کنند. سمیرا که فرزندش را از دست داده است، در سال‌گرد وی این‌گونه یادبودی مجازی را توصیف می‌کند:

[1] Strauss and Corbin

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

«چون هفت رمضون که سالش بود، خیلی دلم چی شده بود؛ گفتم ازتون میخوام اگه {اگر} می‌تونید همتون یه سوره یاسین به نیت سعید بخونید، دیگه اونا هم خوندن».

همان طور که گفته شد داغ‌دیدگان گاهی برای قابل تحمل ساختن فقدان به فضای مجازی پناه می‌برند، تا به‌واسطه‌ی آن برای لحظاتی از تسلسل فکر به متوفی و خلأ عاطفی ناشی از آن رهایی یابند. بنابراین یا به‌واسطه‌ی وابستگی درونی چون شبانه‌های مجازی و یا به‌واسطه‌ی وابستگی هنجاری چون وابستگی شغلی به فضای مجازی و پناه‌بردن و سرگرم‌سازی خود با آن سعی می‌کنند فقدان را در لحظاتی در پرانتز قرار دهند. این فرایند با مفاهیم اپوخه و توقف درونی-هنجاری فقدان مفهوم‌پردازی شده است؛ به این معنا که داغ‌دیدگان بعد از مواجهه با فقدان، به صورت مداوم، مرگ عزیزشان، نیستی و فقدان را بر زندگی خود حاکم می‌کنند؛ به گونه‌ای که زندگی به حاشیه رانده شده و داخل پرانتز قرار گرفته است، در صورتی که فضای مجازی یا سرگرمی‌های موجود در تلفن همراه برای لحظاتی این فکر مداوم به مرگ عزیزانشان و سؤالات مرتبط با آن و شرایط آزاردهنده‌ی بعد از فقدان را از مرکز، به حاشیه‌ی زندگی یا پرانتز منتقل می‌کند. مینا که همسرش را از دست داده است، این‌چنین اپوخه‌ی فقدان را به تصویر می‌کشد: *«میرم این تو{فضای مجازی} اصلاً فکرم درگیر شه، که دیگه اصلاً هرچی یادمه همه چی بره».*

اما گاهی بعد از رخداد فقدان، تغییری در انگیزه و چگونگی استفاده‌ی برخی داغ‌دیدگان از فضای مجازی ایجاد نمی‌شود. آن‌ها برحسب علایق و اهداف سابقشان از فضای مجازی استفاده می‌کنند. افزون‌براین سبک استفاده از فضای مجازی به همان شکل سابق ادامه می‌یابد، به‌گونه‌ای که گاهی غلبه‌ی آن بر پروفایلشان هم قابل مشاهده است. مهتاب که فرزندش را از دست داده است، تغییری در پروفایلش که عکس دو فرزندش را بازنمایی می‌کرده است؛ نداده و این‌چنین سعی در نگه‌داشت مجازی متوفی به شکل سابق دارد:

«نه از قبلم بود، از قبل هم عکس پروفایلِ من عکس دو تاییشون بود، امیررضا، محمدرضا با هم بودن، همیشه از وقتی که من تلگرام داشتم، عکس پروفایلم اصلاً از وقتی موبایلم چیز شده، عکس این دو تا بوده روش».

برخی داغ‌دیدگان نیز با دیدن آواتار نزدیکان و سایر داغ‌دیدگان هیجاناتی چون حسرت و غم را تجربه می‌کنند و از دیدن این آواتارها که هیجاناتی منفی را در آن‌ها ایجاد می‌کند، رنج می‌برند. منظور از آواتار در این جا تصویری کوچک و غالباً دایره‌ای شکل است، که به عنوان نماد کاربر در سایت‌ها، پروفایل‌های اشخاص و پیام‌رسان‌هایی چون اینستاگرام و تلگرام مورد استفاده قرار

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

می‌گیرد و بیان‌گر سلیقه، تفکرات و به عبارت بهتر نوعی شناسنامه‌ی کاربری در دنیای مجازی می‌باشد. آزاده که کودکش را از دست داده است، با دیدن آواتار یا پروفایل نزدیکانی که فرزندشان هم سن و سالِ متوفی بوده‌اند، این‌چنین با گریه و احساس حسرت، رنج آواتار را به تصویر می‌کشد:

«وقتی مامانش عکسشو میذاره رو پروفایلش، خیلی روم{بر روحیه‌ی من} اثر میذاره {می‌گذارد}؛ میگم بچه‌م اگر بود، هم سن و سال این بود».

اما برخی آواتارها نه‌تنها رنجی برای داغ‌دیدگان به دنبال ندارند، بلکه آرامش‌دهنده هستند و مغفرت‌هایی برای متوفی از سوی داغ‌دیدگان به دنبال دارند. شمسی که با فقدان هم‌زمان پدر، مادر و برادرش مواجه شده است، با دیدن برخی آواتارهای بستگانش هم‌ذات‌پنداری می‌کند و آرامش‌دهندگی آن را این‌چنین بازتعریف می‌کند:

«بعضی متن‌ها هه{هست}، که در مورد پدر و مادر نوشته آرامش‌بخشه، متن‌هایی که بعضی‌ها برای بستگانشون نوشتن تو پروفایلاشون اینا بعضی‌هاش رو می‌بینم که واقعاً حرف دل را زده، عشق به پدر، صدای نفس مادر، پشت و پناهم برادر».

شایان ذکر است که برخی داغ‌دیدگان به دلایلی چون ناخوشایندی دریافت ترحم‌های مجازی ناشی از پروفایل‌های حاکی از فقدان و سوگ‌مندی، تمایلی به درج عکس متوفی و معرفی خود به عنوان داغ‌دیده ندارند و حتی با ماتم‌نشانی دیگران نیز در پروفایلشان موافق نبوده و آن را عاملی برای ناراحتی دیگران می‌دانند. سوسن که فقدان هم‌زمان پدر و مادر و برادرش و پس از آن همسرش را تجربه کرده است، این‌چنین ناخوشایندی بازنمایی ماتم را در فضای مجاری به تصویر می‌کشد:

«من چون پروفایل اونا رو که نگاه مکنم{می‌کنم} و تو فضای مجای و اینا که میرم خیلی روم اثر میذاره؛ میگم این چقدر رو خودش اثر گذاشته، که داره اینجوری ابراز مکنه، چقدر سختشه، منم خو سختمه، نباید آدم ابراز کنه و نباید دیگران را ناراحت کنه»

افزون‌براین گاهی داغ‌دیدگان به دلایلی چون ناتوانی مواجهه با عکس متوفی بر پروفایل خود و نزدیکان، از درج عکس متوفی بر پروفایل خود پرهیز می‌کنند و دیگران را نیز منع می‌کنند. ولی برخی داغ‌دیدگان ممکن است به دلایلی چون احساس ناامنی و تعلق مذهبی و غیره، خود را از درج عکس فرزند دختر بر پروفایل منع کنند که می‌تواند نارضایتی فرزند را به دنبال داشته باشد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

سمیرا محدودیت خود در درج عکس دخترش را این‌چنین بازتعریف می‌کند: «*گفتم خب تو که دختر هستی، تو رو که نمی‌تونم بذارم*».

با توجه با آن‌چه تاکنون تشریح شد؛ می‌توان به پروفایل‌های داغدیده‌ای اشاره کرد که هویت داغدیده‌ی مشارکت‌کنندگان و حتی گاهی نزدیکان و بستگانشان را به تصویر می‌کشد. چنانچه برخی داغدیدگان به حضور عکس متوفی بر پروفایل خود وابسته بوده و با اتخاد دل‌نوشته‌هایی بر آن در آواتار خود، آمال، آرزوها، حسرت‌ها و به‌طورکلی عواطف خود را بروز می‌دهند. از عواملی که داغدیدگان را به بازنمایی پروفایل‌های داغدیده وا می‌دارد؛ می‌توان به عدم تمایل به فراموشی متوفی و بروز عاطفی خود به‌ویژه هنگام فوران احساس دلتنگی، خشم، غم و یادبودهای مجازی و مواردی مشابه اشاره کرد. نازگل که پدرش را در سانحه‌ی رانندگی از دست داده است، این‌چنین بروز عاطفی خود را به‌واسطه‌ی گزینش پروفایل داغدیده به تصویر می‌کشد:

« *موقع‌هایی که تولد بابام باشه یا تولد خودم باشه که بابام نیست، یا یه مناسبتی مثل سال بابام باشه، دیگه خیلی دلتنگ باشم، خیلی واقعاً اعصابم خورد باشه، یه استوری بذارم یا یه روز پروفایل بذارم و زود عوضش کنم*».

در این میان برخی داغدیدگان با داغدیده‌کردن پروفایل‌هایشان به بازنمایی وفاداری خود به متوفی می‌پردازند. تمایل داغدیده به این امر یعنی بازنمایی خود واقعی و هویت داغدیده به جامعه-ی مجازی، می‌تواند حاکی از اهمیت قضاوت جامعه برای داغدیده باشد. به نظر می‌رسد برخی داغدیدگان این‌چنین تصور می‌کنند که جامعه از آن‌ها انتظار وفاداری به سوگ و سوگ‌پایی دارد، بنابراین با درج عکس متوفی بر پروفایل خود و هم‌سو با آن با بی‌فایده‌دانستن درج عکس خود و نزدیکان بر پروفایل به بازنمایی وفاداری خود به متوفی و سوگ‌پایی در فضای مجازی اقدام می‌کنند. البته گاهی داغدیدگان از این سوگ‌پایی و درج عکس متوفی بر پروفایل خود احساس آرامش می‌کنند. فاطمه که فرزندش را از دست داده است، این‌چنین سوگ‌پایی و پایبندی به سوگ را به تصویر می‌کشد:

«*شاید میخوام احساسم و به دیگرانم بگم، که من هنوز به یاد فرزاد هستم و فرزاد با منه، چون خودمم پروفایلمو نمی‌بینم، بقیه پروفایلمو میبینن{می‌بینند}، میخوام بگم که مثلاً، به هرحال بقیه که نگاه میکنن، حس کنن که این مادریه که بچشو فراموش نکرده*»

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

ولی این انحصار آواتاری داغ‌دیده به متوفی و سوگ‌پایی، بروز تعارض دیگران مهم را به دنبال دارد، به گونه‌ای که دیگران مهم شروع به شکایت و ابراز ناراحتی خود به داغ‌دیده می‌کنند. همان‌طور که سمیرا شکایت فرزندش را از انحصاری آواتاری خود، این‌چنین به تصویر می‌کشد:

«حتی مثلاً فاطمه هم اعتراض کرده، چند وقت پیش بود گفتم مثلاً میخوام عکسشو عوض کنم، یه عکس جدید بهم بدید، مثلاً عکس زیاد نداره، عکساش دیگه تکراریه، به علی میگم مثلاً چند تا عکس سعیدو برام بفرست، فاطمه میگه آره فقط اون بچته ما خو بچت نیستیم، همش پروفایلتو اون میذاری».

در این میان نمی‌توان از معاشرت‌های مجازی داغ‌دیدگان با دوستان و بستگانشان چشم پوشید. برخی داغ‌دیدگان به هنگام نیاز به هم‌صحبتی و درددل با نزدیکان عاطفی چون دوستان یا بستگان خود، به‌واسطه‌ی قابلیت تسهیل ارتباطی فضای مجازی به واسازی خود اقدام می‌کنند. افزون‌براین دریافت توجه و حمایت‌های نزدیکان عاطفی در این معاشرت‌های مجازی به آن‌ها در تغییر فضای روحی و واسازی خود کمک می‌کند. طاهره که فرزندش را از دست داده است، با هم‌صحبتی با بستگان به هنگام نیاز و برای پیشگیری از تشدید ناراحتی، به واسازی خود اقدام می‌کند و این‌چنین آن را بازتعریف می‌کند: *«یا شبه میدونم بیداره، میگم حالم بده، مثلاً اون مسخره‌بازی در میاره، از تو اون حال و هوا دَرَم میاره».*

با توجه به بستر مذهبی جامعه‌ی ایران و به‌واسطه‌ی رخداد فقدان، توسل به مذهب و الهیات را در فضای مجازی توسط برخی داغ‌دیدگان برای قابل تحمل ساختن فقدان و شرایط ناشی از آن نیز شاهد هستیم. چنانچه برخی داغ‌دیدگان با جست‌وجوی روایات مذهبی که تشویق‌کننده‌ی صبر هستند و یا مواجهه با پروفایل‌هایی که جنبه‌ی مذهبی و خداشناختی دارند، احساس آرامش می‌کنند. گاهی داغ‌دیدگان این احساس آرامش وجودی که با کشف خدا در فضای مجازی به‌دست آورده‌اند را با گزینش و درج آن بر پروفایل مجازی، سرلوحه‌ی سازگاری خود با فقدان و شرایط ناشی از آن در زندگی قرار می‌دهند. مینا آرامش کشف خدا را این‌چنین بازتعریف می‌کند:

«بیشتر همین متنایی که درباره‌ی آیه‌های قرآن بود، پیدا می‌کردم، سخنان انبیا مثلاً، یه موقعی می‌گردم مثلاً میخوره به یکی درباره‌ی صبر و مصبیت و اینا، اونا رو که میخونم یکم آروم میشم»

با توجه به فرایندی که تاکنون تشریح شد، علی‌رغم تعارضاتی که بین برخی داغ‌دیدگان و دیگران مهم، ظاهر شده و گاهی عدم آرامش مجازی و ترک تلگرام را به دنبال داشته، ولی آرامش

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

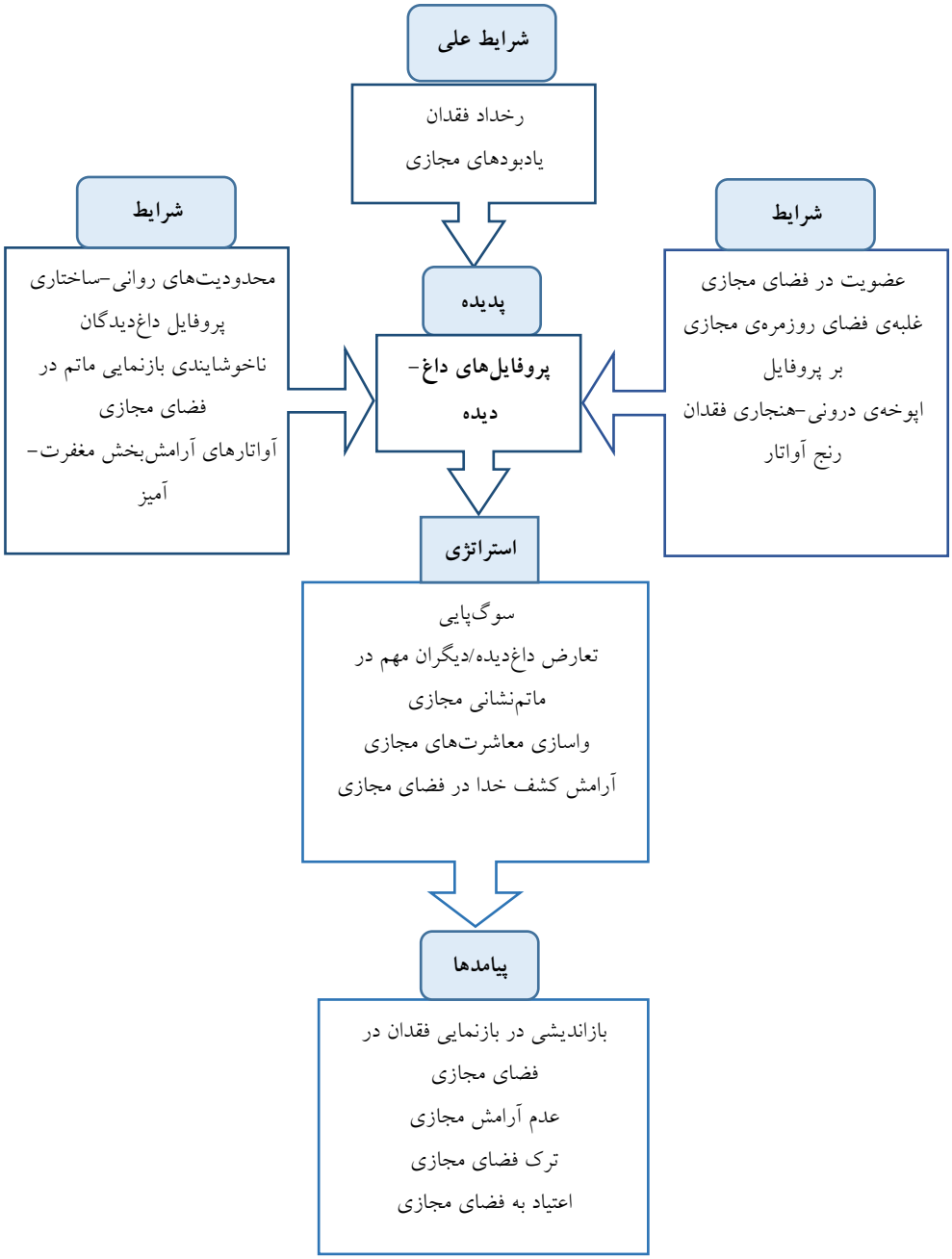
کشف خدا یا واسازی معاشرت‌های مجازی و مواردی مشابه، وابستگی و اعتیاد برخی داغ‌دیدگان و متناسب با آن گاهی غفلت از زندگی و عزیزان را می‌تواند به همراه داشته باشد. با این وجود برخی داغ‌دیدگان به تدریج بازاندیشی در بازنمایی فقدان در فضای مجازی را نشان می‌دهند. بدین‌معنا که در انحصار آواتاری خود به متوفی و حتی میزان استفاده‌ی خود از فضای مجازی تجدید نظر می‌کنند. نعیمه که پدرش را در سانحه‌ای از دست داده است، این‌چنین بازاندیشی در بازنمایی فقدان در فضای مجازی را بازتعریف می‌کند:

«گاهی بقیه می‌پرسیدن چطور شده؟ چرا؟ چی؟ یا مثلاً عکس بابامو میذاشتم، بابامو میشناختن، تو دختر اونی که این اتفاق افتاد، وای چقدر سخت بود و اینا خیلی اذیتت می‌کرد، دیگه به خودم گفتم که نیازی نیست که همه بفهمن».

مدل پارادایمی

در این قسمت بر اساس خط داستانی که تشریح شد، مدل پارادایمی که از پنج قسمت شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها تشکیل شده است؛ ترسیم و سپس مورد بررسی قرار می‌گیرد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]



شکل شماره‌ی یک- مدل پارادایمی پژوهش

پویایی‌های پژوهش حاضر پدیده‌ی پروفایل‌های داغدیده را نشان می‌دهد. بدین معنا که داغ-دیدگان در نتیجه‌ی رخداد فقدان و یادبودهای مجازی به همراه شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر وابسته

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

به بستر، با درج عکس متوفی بر پروفایل و گاهی دل‌نوشته‌هایی بر آن، پروفایل‌های داغدیده را بازنمایی می‌کنند و عواطفی چون ناراحتی، دلتنگی، خشم، حسرت و امید را بروز می‌دهند. در این میان اپوخه‌ی درونی—هنجاری فقدان و محدودیت‌های ساختاری پروفایل داغدیدگان، پدیده‌ی پروفایل‌های داغدیده را تقویت می‌کند. اما از سویی دیگر شرایطی چون محدودیت‌های روانی پروفایل داغدیدگان، غلبه‌ی فضای روزمره‌ی مجازی بر پروفایل و ناخوشایندی بازنمایی ماتم، پدیده‌ی پروفایل‌های داغدیده را محدود می‌کند. بنابراین برخی داغدیدگان با حضور در فضای مجازی با درج عکس متوفی بر پروفایل به بازنمایی وفاداری به وی اقدام کرده و این‌چنین برای رسیدن به آرامش به سوگ‌پایی می‌پردازند. البته لازم به ذکر است که راه دیگری که داغدیدگان برای کسب آرامش در شرایط داغدیدگی به‌کار می‌گیرند، جست‌وجوی روایات صبر و پروفایل‌های خداشناختی است. اما گاهی دیگران مهم به‌واسطه‌ی پروفایل‌های داغدیده و سوگ‌پایی وی، به ابراز ناراحتی و گلایه از داغدیده می‌پردازند، که همین امر می‌تواند به عدم آرامش مجازی، بازاندیشی داغدیده در بازنمایی فقدان و ترک فضای مجازی بینجامد. اما از سویی دیگر جست‌وجوی آرامش و کسب آن به‌واسطه‌ی کشف خدا و حتی سوگ‌پایی و واسازی خود به‌واسطه‌ی معاشرت‌های مجازی با دوستان و بستگان می‌تواند اعتیاد داغدیدگان به این فضا را به دنبال داشته باشد.

نتیجه‌گیری و بحث

مواجهه با مرگ خود و عزیزان، به‌ویژه فقدان‌های نابه‌هنگام به عنوان یکی از واقعیت‌های اجتماعی، از سخت‌ترین مواجهات بشر قلمداد می‌شود. در چگونگی این مواجهه، ممکن است مجموعه‌ای از آداب‌ورسوم، باورها، مذهب، ارزش‌ها و هنجارها تعیین‌کننده باشد. با توجه به گستردگی و دردسترس‌بودن شبکه‌های اجتماعی چون تلگرام، اینستاگرام و مواردی این‌چنین در زندگی اغلب ایرانیان، در این تحقیق بر آن شدیم تا فرایند حضور داغدیدگان را در فضای مجازی کشف کنیم و به نقش فضای مجازی در گذر از داغدیدگی پی ببریم.

پژوهش حاضر پدیده‌ی پروفایل‌های داغدیده‌ای را که داغدیدگان در نتیجه‌ی رخداد فقدان و حتی با گذشت زمان به‌منظور یادبودهای مجازی در مناسبت‌های مختلف، بازنمایی می‌کنند، نشان می‌دهد. نکته‌ی حائز اهمیت در این بازنمایی پروفایل‌های داغدیده، برساخت هویت‌های داغ-دیده‌ای است که داغدیدگان برای خود قایل شده و آن را در فضای مجازی به‌واسطه‌ی پروفایل‌های داغدیده به نمایش می‌گذارند. اگرچه اغلب داغدیدگان تمایل دارند این هویت داغدیده از جانب

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

دیگران پذیرفته شود، ولی برخی از آنان به جای بروز خود واقعی در پروفایل به دلایلی چون ناخوشایندی دریافت ترحم‌های مجازی، تغییری در پروفایل‌های خود ایجاد نمی‌کنند.

به‌طورکلی در این پژوهش مجموعه‌ای از شرایط و عواملی را که به نظر می‌رسد در بازنمایی پروفایل‌های داغ‌دیده نقش داشته است، می‌توان در دو دسته‌ی عوامل روانی و اجتماعی تقسیم‌بندی کرد. یکی از عواملی که به نظر می‌رسد بیش‌تر جنبه‌ی روانی داشته و می‌تواند در پدیده‌ی پروفایل‌های داغ‌دیده نقش داشته باشد، توانایی یا عدم توانایی مواجهه با خاطرات تصویری متوفی در برخی داغ‌دیدگان است. بدین‌معنا برخی داغ‌دیدگان که توانایی رویارویی با خاطرات تصویری متوفی را نداشته‌اند، از پروفایل‌های داغ‌دیده هم رنج برده و از آن اجتناب می‌کردند؛ و بالعکس، داغ‌دیدگان که به دیدن خاطرات تصویری متوفی وابسته بوده‌اند، به درج عکس وی بر پروفایل و داغ‌دیده‌کردن پروفایل هم عادت داشته و حتی با این کار آرامش هم کسب می‌کردند. بروز عواطف در پروفایل‌های داغ‌دیده، هم می‌تواند منشأ روانی داشته باشد و هم منشأ و مقصدی اجتماعی. بدین‌صورت که گاهی عواطفی چون غم، خشم، حسرت، امید، دلتنگی و خلأ ناشی از فقدان، داغ‌دیدگان را به داغ‌دیده کردن پروفایلشان وا می‌دارد، بدین‌معنا می‌تواند منشأ روانی داشته باشد. کمااینکه در پدیداری همین عواطف به جز رخداد فقدان و یادبودهای مجازی، عواملی اجتماعی هم می‌تواند دخیل باشد که برای اظهارنظر در این مورد نیازمند تحقیقات بیش‌تری از سوی محققین علوم مختلف هستیم. در بحث از شرایط و عوامل اجتماعی از شرایطی چون محدودیت‌های ساختاری می‌توان سخن گفت که تا حدودی وابسته به بستر مذهبی و اسلامی جامعه‌ی ایران و به‌ویژه شهر یزد بوده و تا حدودی وابسته به احساسات ناامنی یا بدبینی اجتماعی که با تقویت احتیاط در درج عکس جنس مؤنث بر پروفایل، به بازنمایی پروفایل‌های داغ‌دیده دامن می‌زند.

از عوامل اجتماعی می‌توان به قضاوت‌های دیگران مهم و اهمیت آن در نظر داغ‌دیده اشاره کرد که داغ‌دیده برای در امان ماندن از سوء قضاوت‌های دیگران مانند فراموشی متوفی، به بازنمایی وفاداری خود با درج عکس متوفی بر پروفایل، به داغ‌دیده‌کردن پروفایل‌های خود و سوگ‌پایی اقدام می‌کنند. البته در این امر ممکن است پندار و تصور داغ‌دیدگان در این‌که جامعه از آن‌ها انتظار در سوگ‌ماندگی، ماتم‌نشانی و وفاداری به متوفی را دارد، نیز نقش داشته باشد، ولی برای اطمینان از صحت و منشأ این تفکر نسبت به انتظارات جامعه در نظر داغ‌دیدگان در بستر مذهبی – سنتی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

شهر یزد، نیازمند انجام تحقیقات بیش‌تری از سوی محققان علوم مختلف، خصوصاً محققان اجتماعی هستیم.

افزون‌براین دگرمحوری و احساس تعلق و تعهد به دیگران در فضای مجازی نیز در برخی داغ‌دیدگان مانع از پدیده‌ی پروفایل‌های داغ‌دیده می‌شد، بدین‌معناکه به‌خاطر دیگران در فضای مجازی و ناراحت‌نشدن آن‌ها از ایجاد پروفایل‌های داغ‌دیده پرهیز و با رویارویی با چنین پروفایل‌هایی از جانب دیگران در فضای مجازی نیز احساس ناخرسندی می‌کردند. در جریان این پژوهش در قالب پروفایل‌های داغ‌دیده، می‌توان به اصرار برخی داغ‌دیدگان در نگه‌داشت مجازی متوفی و حفظ هویت متوفی با افتتاح حساب‌های کاربری و شناسنامه‌های مجازی نیز پی برد. از جانب دیگر به‌واسطه‌ی حرکت در مسیر جهان مدرن و فاصله‌گیری هرچه بیش‌تر از جامعه‌ی سنتی و افزایش فردگرایی و تحولات شیوه‌های ارتباطی، شکل تازه‌ای از اطلاع‌رسانی‌های رخداد فقدان به‌واسطه‌ی فضای مجازی در جریان است که می‌تواند پیامدهای منفی و مثبتی را به همراه داشته باشد.

با حضور داغ‌دیدگان در فضای مجازی، نوعی فضای معاشرتی را در میان هم‌دردان شاهد بودیم، که با یکدیگر احساس راحتی کرده و در مورد احساسات و تجاربشان از فقدان و شرایط ناشی از آن صحبت می‌کردند که گاهی به یکدیگر دلداری و حتی مشاوره هم می‌دادند. به بیان دیگر، شرایط همدردی در فضای عینی در طول روز به‌واسطه‌ی حضور فضای مجازی تا نیمه‌هایی از شب نیز ادامه می‌یافت و امکان همدردی و همراهی با داغ‌دیده از طرف دیگران بیش‌تر می‌شد. بدین معنا که فرصت‌های همدردی و گفت‌وگو فراتر از شیوه‌های سنتی حضور در خانه‌ی داغ‌دیده است. البته این گروه مجازی، فضایی را برای تعاملات مجازی و حتی واقعی داغ‌دیدگان فراهم می‌کرد که خبری از سرکوب احساسات در آن نبوده و با تسهیل قیاس اجتماعی و کمک به داغ-دیده برای خروج از انزوای اجتماعی، تا حدودی در پذیرش فقدان و ایجاد انگیزه برای واسازی راه‌گشا بوده است. ولی در صورتی که همیشه از غم و ناراحتی در آن صحبت شود، ممکن است به هم‌افزایی سوگ منتهی شود، که نه‌تنها در گذر از داغ‌دیدگی و واسازی داغ‌دیدگان راه‌گشا نبوده، بلکه آن‌ها را بیش از بیش درمانده و یا پریشان می‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود تحقیقات بیش‌تری در این زمینه صورت گیرد تا با آگاهی از پیامدها و قابلیت‌های چنین فضای تعاملاتی مجازی در زندگی داغ‌دیدگان، راهکارهای مفیدی در جهت ارتقای تاب‌آوری و واسازی داغ‌دیدگان ارائه دهیم و در پیش گیریم. با توجه به آن‌چه شرح آن رفت؛ می‌توان گفت نتایج پژوهش حاضر به نتایج

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

تحقیق گروسی و همکاران(۱۳۹۳) در پرداختن به چگونگی مواجهه با فقدان، سازگاری به آن و چگونگی گذر از داغ‌دیدگی هم‌سو است. همان‌طور که گروسی سوگیری براساس سنت و جهت‌دهی به احساسات را به عنوان استراتژی‌ای برای مواجهه با فقدان دانسته است، این پژوهش نیز سوگیری براساس روایات دینی و جهت‌دهی به احساسات، بیان یا سرکوب آن را در فضای مجازی به عنوان سازوکارهای داغ‌دیدگان در مواجهه با فقدان نشان می‌دهد. اما در میان پژوهش‌های خارجی می‌توان به تحقیقات پرلوسکو و همکاران(۲۰۱۸)، داهداه و همکاران(۲۰۱۸)، مور و همکاران(۲۰۱۷) و تا حدودی نایمیر و همکاران(۲۰۰۲) اشاره کرد. حضور در فضای مجازی برای دریافت حمایت، آشنایی با سایر داغداران، بیان احساسات، یادآوری خاطرات متوفی و غیره در پژوهش‌های پرلوسکو و فراسیسکو با پژوهش حاضر هم‌راستایی دارد. همچنین استراتژی‌های داغ‌دیدگان در فضای مجازی برای به حداقل رساندن تأثیرات فقدان بر خودشان، دیدگاهشان و غیره، با نتایج داهداه و همکاران هم‌سو بوده است. علاوه بر این نتایج تحقیق مور و همکاران از حیث به اشتراک‌گذاری اطلاعات با خانواده، دوستان و سایر داغ‌دیدگان، صحبت‌کردن در مورد مرگ و معنای آن و حتی سؤالات وجودی با داغداران دیگر، به عنوان روش‌های مورد استفاده‌ی داغ‌دیدگان برای سوگ‌واری، با این پژوهش هم‌راستایی بیش‌تری دارد. اما پژوهش حاضر به تفاوت مواجهه داغ‌دیدگان با فقدان و بازنمایی آن در فضای مجازی دست یافت که متقابلاً مدل‌های متفاوت بازخورد و واکنش جامعه‌ی مجازی به داغ‌دیدگان در نحوه‌ی مواجهه و بازنمایی فقدان را نیز دربرداشت. البته متغیرهایی اعم از سن، میزان سواد و اوقات فراغت و در دسترس داشتن تلفن همراه هوشمند در توسل جستن یا عدم توسل داغ‌دیدگان به فضای مجازی نقش قابل توجهی داشته است. به این صورت که افراد بی‌سواد یا مسن به جای فضای مجازی بیش‌تر به مذهب و جلسات قران و نظایر آن متوسل می‌شدند. به طور کلی در این پژوهش نشان داده شد که داغ‌دیدگان در مواجهه با فقدان عزیزانشان، خصوصاً فقدان‌های غیرمنتظره، برای قابل تحمل ساختن فقدان و شرایط ناشی از آن در زندگی خویش، ممکن است به مذهب، هنر و حتی فضای مجازی متوسل شوند. به‌گونه‌ای که با توجه به تجربه‌ی داغ‌دیدگان از حضور در فضای مجازی می‌توان به نوعی کارکرد پارادوکسیکال فضای مجازی و پروفایل‌های داغ‌دیده را در التیام فقدان نشان داد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

منابع

۱.ابوالقاسمی، محمود؛ نوروزی، علی و طالب‌زاده نوبریان، محسن(۱۳۹۲) «تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده: از منظر هویت دینی و ملی»، **مجله‌ی مطالعات ملی**، دوره‌ی ۱۴، شماره‌ی ۵۵: ۳-۲۴.

۲.استراوس، انسلم و کربین، جولیت(۱۳۹۵) **مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه‌ی زمینه‌ای**، ترجمه‌ی ابراهیم افشار، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.

۳.اسماعیل‌پور، خلیل و بخشعلی‌زاده مرادی، شهناز(۱۳۹۳) «شدت واکنش‌های سوگ ناشی از فوت خویشاوندان درجه‌ی یک»، **مجله‌ی روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران**، دوره‌ی ۲۰، شماره‌ی ۴: ۳۷۱-۳۶۳.

۴.انصاری، ابراهیم؛ کیانپور، مسعود و عطایی، پری(۱۳۹۷) «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر استفاده از فضای مجازی بر فرهنگ شفاهی (مورد مطالعه: شهر اصفهان)»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، دوره- ی ۲۹، شماره‌ی ۱ (پیاپی ۶۹): ۴۰-۱۸.

۵.باستانی، سوسن، خانیکی، هادی و ارکان‌زاده یزدی، سعید(۱۳۹۷) «مردم، رسانه‌های جریان اصلی و مصرف رسانه‌های نوین پیمایش مصرف، اعتماد، رضایت و مشارکت رسانه‌ای شهروندان تهرانی». **فصل‌نامه‌ی مطالعات رسانه‌های نوین**، سال ۴، شماره‌ی ۱۴: ۳۳-۱.

۶.بیات‌ریزی، زهره؛ تسلیمی‌طهرانی، رضا(۱۳۹۶) «مروری انتقادی بر اندیشه‌های اجتماعی در باب مرگ با توجه به وضعیت خاص ایران»، **مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران**، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۳و۴: ۵۶-۳۶.

۷.توسلی، افسانه و جلالوند، انسیه(۱۳۹۴) «استفاده از اینترنت و تمایل به خوداظهاری (مطالعه‌ی موردی دانش‌جویان دختر یکی از دانش‌گاه‌های شهر تهران»، **مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان**، دوره‌ی ۱۳، شماره‌ی ۴: ۱۲۲-۹۵.

۸.حریری، نجلا(۱۳۸۵) **اصول و روش‌های پژوهش کیفی**، چاپ اول، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی(واحد علوم و تحقیقات).

۹.رضوی، سید محمدعلی؛ کیانپور، مسعود و آقابابایی، احسان(۱۳۹۶) «مطالعه‌ی چگونگی برساخت هویت احساسی کاربران فضای مجازی در بین جوانان شهر قم»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات ملی**، دوره‌ی ۱۹، شماره‌ی ۱: ۷۴-۵۷.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

۱۰. زمانی‌مقدم، مسعود(۱۳۹۵) **پژوهشی در جامعه‌شناسی مرگ**، تهران: نشر جامعه‌شناسان.

۱۱. ساروخانی، باقر و صداقتی‌فرد، مجتبی(۱۳۸۸) «شکاف نسلی در خانواده‌ی ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها»، **پژوهش‌نامه‌ی علوم اجتماعی**، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۴: ۳۱-۷.

۱۲. سراج‌زاده، سیدحسین؛ فراستخواه، مقصود و زمانی‌مقدم، مسعود(۱۳۹۴) «نگرش لاهوتی و ناسوتی نسبت به مرگ: مطالعه‌ی مرگ‌اندیشی نمونه‌ای از دانش‌جویان با روش نظریه‌ی زمینه‌ای»، **فصل‌نامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، دوره‌ی ۱۱، شماره‌ی ۴۰: ۱۷۶-۱۵۲.

۱۳. عدلی‌پور، صمد؛ سپهری، آسیه و علی‌زاده، محمدحسین(۱۳۹۲) «شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک و روابط خانوادگی کاربران جوان ایرانی»، **مجله‌ی رسانه و خانواده**، سال ۲و ۳، شماره‌ی ۸: ۹۳-۷۱.

۱۴. علیخواه، فردین؛ کوهستانی، سمانه و واقعه‌دشتی، طاهره(۱۳۹۶) «نقش شبکه‌های اجتماعی موبایلی در زندگی زنان (مطالعه‌ی موردی: شهر رشت)»، **زن در فرهنگ و هنر**، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۴: ۵۰۹-۴۹۱.

۱۵. فراستخواه، مقصود(۱۳۹۵) **روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر «نظریه‌ی برپایه»(گراندد تئوری GTM)**، چاپ اول، تهران: نشر آگاه.

۱۶. فروتن، یعقوب(۱۳۹۲) «چالش‌های خانواده‌ی معاصر و نوگرایی با تأکید بر طلاق در فرایند گذار جمعیتی»، **فصل‌نامه‌ی مسایل اجتماعی ایران**، سال ۴، شماره‌ی ۲: ۱۲۹-۱۰۵.

۱۷. قانعی‌راد، محمدامین و مرتضی، کریمی(۱۳۸۵) «نمایش‌نامه‌های فرهنگی مرگ و مردن»، **فصل‌نامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۵: ۷۳-۵۱.

۱۸. کفاشی، مجید(۱۳۸۸) «تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده»، **فصل‌نامه‌ی پژوهش اجتماعی**، سال ۲، شماره‌ی ۳: ۷۸-۵۸.

۱۹. کلانتری، عبدالحسین و تسلیمی‌طهرانی، رضا(۱۳۹۱) «بررسی میزان رازآلودگی مفهوم مرگ در شهر تهران»، **معرفت فرهنگی اجتماعی**، سال ۳، شماره‌ی ۴، ۱۲۶-۱۰۹.

۲۰. گروسی، سعیده؛ خواجه، روح‌الله و گروسی، بهشید(۱۳۹۳) «درک افراد سوگ‌وار از پدیده‌ی مرگ»، **فصل‌نامه‌ی اخلاق زیستی**، شماره‌ی ۱۴: ۱۹۱-۱۶۷.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]

۲۱. مزینانی‌شریعتی، سارا و تسلیمی‌طهرانی، رضا(۱۳۹۵) «نسبت مرگ و دین در نمایش‌نامه‌های فرهنگی مرگ و مُردن در بین نمونه‌ای از ساکنین شهر تهران»، **فصل‌نامه‌ی تحقیقات فرهنگی** ایران، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۳: ۱۱۷-۹۱.

۲۲. معتمدی، غلامحسین(۱۳۹۶) **انسان و مرگ**، چاپ چهارم(چاپ دوم ویرایش دوم)، تهران: نشر مرکز.

۲۳. ملایوسفی، مجید و باقری، محمدرضا(۱۳۹۵) «انسان جدید و مسأله‌ی مرگ: نگاهی به نظریه‌ی الیزابت‌کوبلرراس»، **دوپژوهش‌نامه‌ی ادیان**، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۲۰: ۱۵۰-۱۳۴.

۲۴. مهدی‌زاده، سیدمحمد و ابراهیمی، سعید(۱۳۹۳) «نقش رسانه‌های جدید در روابط اجتماعی دانشجویان با تأکید بر اینترنت (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دانش‌گاه علامه طباطبایی و دانشگاه تهران)»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات رسانه‌ای**، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۱ و پیاپی ۲۴: ۱۵۸-۱۴۵.

۲۵. یعقوبی، علی؛ میرحجازی، سیده زهرا و صوفی‌زاده، زینب(۱۳۹۸) «سنخ‌شناسی تصویر از مرگ و فرایندهای رویارویی با آن؛ مورد مطالعه: شهروندان گیلانی»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال ۳۰، شماره‌ی ۲ و پیاپی ۷۴: ۱۱۶-۱۰۲.

۲۶. یوسفی، علی و تابعی، ملیحه(۱۳۹۰) «پدیدارشناسی تجربی معنای مرگ؛ بررسی موردی زنان شهر مشهد»، **فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ**، دوره‌ی۴، شماره‌ی۱۵-۱۴:۵۱-۳۹.

27. Dahdah, D. F., Rego, F., Joaquim, R. H. V. T., Bombarda, T. B., & Nunes, R. (2018). «Daily life and maternal mourning: A pilot study». ***Death studies***, 1-9.

28. Moore, J., Magee, S., Gamreklidze, E., & Kowalewski, J. (2017). «Social Media Mourning: Using Grounded Theory to Explore How People Grieve on Social Networking Sites». *OMEGA-**Journal of Death and Dying***, 0030222817709691.

29. Perluxo, D., & Francisco, R. (2018). «Use of Facebook in the maternal grief process: An exploratory qualitative study». ***Death studies***, *42*(2), 79-88.

30. Thompson, N., Allan, J., Carverhill, P. A., Cox, G. R., Davies, B., Doka, K., ... & Small, N. (2016). «The case for a sociology of dying, death, and bereavement». ***Death studies***, *40*(3), 172-181.

31. Neimeyer, R. A., Prigerson, H. G., & Davies, B. (2002). «Mourning and meaning». ***American Behavioral scientist**, 46 (2), 235-251.*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-18]